

علم أصول الفقه

٣٥

١٢-١٠-٨٨ تعارض الحجج

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- ...اگر مراد گوینده - بر حسب نص، یا ظاهر بودن سخن او - بر ما روشن شد، و گوینده مصون از خطا بود و ما آنچه را از سخن او فهمیده می شود با برخی اطلاعات دیگر - قطعی یا ظنی - پیرامون خود موضوع سخن، یا گوینده آن ناسازگار یافتیم، چهار صورت متصور است:

التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

• ۱ - سخن ظاهر و آن اطلاعات یقینی و قطعی باشد، در این حال ما سخن را بر معنایی خلاف ظاهر آن که با آن داده‌های یقینی سازگار باشد، حمل می‌کنیم.*

- *مانند آیه شریفه “ید الله فوق ایدیهم” البته معنایی که سخن در این حالت بر آن حمل می‌شود در واقع نتیجه ظهوری است که در این حالت پیدا می‌کند. پس دلیل عقلی به عنوان قرینه بر مراد متکلم در نظر گرفته می‌شود و قرینیت ملاک جمع عرفی است. با این وصف، هر چند دلیل عقلی یک مفاد را برای ما تبیین می‌کند و لفظ خاصی را در بر ندارد، ولی به نحوی جمع عرفی بین آن و دلیل لفظی صورت می‌گیرد.

التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- ۲ - سخن نص و اطلاعات منافی با آن ظنی باشد، در این صورت ما آن اطلاعات ظنی را که در معارضه با «نص» است، تخطئه خواهیم کرد.

التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- ۳ - سخن ظاهر و اطلاعات منافی با آن ظنی باشد، در اینجا ما آن ظاهر را مادامی که دلیلی بر خلاف آن یافت نشود، حفظ خواهیم کرد.

التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- ٤ - سخن نص و داده‌های ناسازگار با آن یقینی باشد،
- چنین احتمالی هر چند در عالم فرض متصور است، اما در واقع رخ نمی‌دهد؛ زیرا مستلزم یقین به دو امر متضاد است و چنین چیزی محال می‌باشد. از این رو، اگر در موردی چنین چیزی در بدو امر رخ دهد، پس از التفات به ناسازگاری مفاد سخن با اطلاعات مزبور یکی از حالات فوق پیش می‌آید؛ یعنی یا سخن از نص بودن خارج، و یا یقین به آن داده‌ها زایل می‌شود و امکان دارد هر دو امر نیز تحقق پیدا کند.

التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- البته اگر گوینده انسان عادی و جایز الخطا باشد، در تمام این موارد، می توان او را تخطئه کرد؛ یعنی حتی نصّ او ممکن است در تنافی با یک اطلاع ظنی مردود شمرده شود.